

آنان را به زور از آنجا رانده‌اند. در هرات، يهوديانى كه اهل شهيد بوده‌اند، اما ساليان دراز بيرون از خاك ايران زيسته و به دين اسلام درآمده‌اند، به وسيله فرمانده عساکر شاهزاده سلطان مراد ميرزا بازداشت شده‌اند؛ پس از آن كه باخشونت بسيار از آنان غرامت گرفته‌اند، طناب به گردن، روانه خراسانشان کرده‌اند. بسيارى از زنان و کودکان در راه تلف شده‌اند. شماره اينان بيش از كسانى است كه به سبب قحطى در اين سرزمين غارت شده و از ميان رفته‌اند. بخشى از ساكنان هرات براى فرار از دست ايرانيان، از طرفى و براى يافتن خوراكى از طرف ديگر، به كوهها گريخته‌اند. خلاصه آن كه يى نظمى و اغتشاش از بدترين روزهاى حكومت فتحعلى شاه نيز به مراتب بيشتر است.»^۱

خرانه دولت: ناصرالدين شاه بعد از خالى شدن خزانه دولت، براى جبران كسر بودجه از حكام، تقديمى زياد مطالبه مى كند. «به اين ترتيب كه، سالى يك مرتبه اغلب حكام را تغيير مى دهد و از حكام جديد تقديمى فراوان اخذ مى كند و آنان را با اختيارات كامل به ايالات و ولايات مى فرستد. آنها نيز براى به دست آوردن اين مبلغ هنگفت، كارهاى ادارى حكومت را به اشخاص متمول مى فروشند. حتى چوب و فلک دارالحكومه را مقاطعه مى دهند. حكام علاوه بر مبلغى كه به شاه تقديم مى كنند؛ بايد مبلغى براى صدر اعظم و وزراى او در نظر بگيرند. چنان كه ناصرالدوله، حاكم كرمان ماهى هزار تومان به قهوه خانه امين السلطان مى پرداخت... علاوه بر اينها، چون كسى مصدر حكومت مى گردد، رجال بى كار و طماع توقع ارمغان مخصوص آن محل را از وي دارند. روحانى- نمايان نياز دعاگوئى از او مى طلبند، اهل سنبر زبان بند مى خوانند، مفتخواران كه به حاشيه نشيني مجالس، گذران مى كنند و مسخرچيان كه همه جا راه دارند، نوكرهاى مخصوص شاه و رجال، از حكام توقع تقديمى و بخشش دادند، و حاكم مجبور است اين تكليفات را به شاه و گدا ادا نمايد... در مركز مأموريت هم، ارباب توقع محلى در لباسهاى مختلف موجودند كه اگر مقاصد شخصى آنها انجام نگیرد به تحريك نمودن عامه برضد او مى پردازند. بالجملة در مدت حكومت بايد خرج وي بگذرد، قروض تهرائش را بدهد و براى روزگار بى كارى هم ذخيره اى تحصيل نمايد... اينجا بايد نظرى به حال رعيت كرد كه اولاً ماليات معمولى او را مضاعف مى كنند و به اين قناعت نكرده، هر روز به يك بهانه تكليف تازه اى براو تحصيل مى نمايند.»^۲

وضع مالى: نامه زير از ميرزا آقاخان نورى اعتمادالدوله به ناصرالدين شاه است و معرف آشفتنگى وضع مالى ايران در دوران صدارت او (از ۲۲ محرم ۱۲۶۸ تا ۲۰ محرم ۱۲۷۵ قمرى) مى باشد:

«قربان خاكپاى آسمان ساى همايونت گردهم، بيست و پنجسال است كه با بندگى و عبوديت، بى طمع و بى غرض در خاكپاى مباركت خدمت مى كنم و منت نمى گذارم و منت مى كشم و شكر گذارم. برخود اعليحضرت ظل اللهى روحنا فداه مثل آفتاب روشن است و نمى توانند انكار كنند... حضرات فرنگيان ديروز مى گفتند كه سه كار در ايران كردى كه تا حال نه از

۱. مصطفى رحيمى، مجله سخن، شماره ۱۳۳۰، ص ۲۳۹.

۲. ميرزا يحيى دولت آبادى، حيات يحيى، تهران، ۱۳۳۶، ص ۱۰۱ به بعد.

کسی دیده شده و نه شنیده شده، یکی توپ‌ریزی در هرات، دوم قورخانه و توپخانه به این استحکام و زیادتی که مقابل دولتهای شش‌صدساله است در عرض ۸ سال، و یکی بنای قلعه به این استحکام در عرض یک‌ماه. در هر سرحدی بخواهی در عرض یک‌ماه فعله و عمله ریخته قلعه مستحکم می‌سازی و تشون و توپخانه می‌گذاری بی‌حرف.

مقصود این است که می‌فرمایند بی‌پولی پوست ما را کند، کمترین غلام جسارت این‌گونه حرف را ندارد، خود فرمایش می‌کنید، پادشاه هستی و مختار همه چیز. بر ما بلندگان یارای تعرض نیست و الان چهل هزار تومان بلکه پنجاه هزار تومان از غلام کمترین برای مصارف کارهای پادشاهی می‌خواهند و به آن قسم هم خود فرمایش می‌کنی، انصاف و مروت که قبله عالم روحنا فداه دارند هیچ پادشاهی نداشته، فرمایید جسارت می‌کند. ولینعمت عالم، برده کمترین سؤالی می‌کنم، جوابی بفرمایید، پانزده سال است دخل و تصرف در ایران داریم و پیوسته آه و ناله، مالیات ایران چه می‌شود، که می‌برد، از مردم پول نگیرید، غلام چکنم؟ اگر می‌دانستم که ندارید، به هر وضعی بود پنجاه هزار تومان را در سه روز پیدا می‌کردم و از تنگی خلاص می‌شدید، نه این که غلام قرض بکنم و مردم بخورند. مالیات ایران نقد، پنج کرور و سی صد هزار تومان چیزی علاوه، جنس ۲۶۰ هزار خروار باکاه و غیره، مخارج ولایتی: نقد ۳۱۶ هزار تومان، جنس به همه جهت سی هزار خروار باکاه و غیره، الباقی نقد چهار کرور و یک‌صد هزار تومان جنس به همه جهت ۱۷۰ هزار خروار. هنوز از سال چیزی نگذشته، اینها را یکجا که برد؟ اگر ندارید، بفرمایید البته البته پنجاه هزار تومان را از غلام بگیرند... تاحال که سلخ رجب است، ۲۱۰ هزار تومان به همه جهت حواله شده.»^۱

حاج سیاح می‌نویسد: «... اکثر ولایات و بلوکات ایران ملوک‌الطوایفی و هر تیولدار در اداره حوزه خود مختار است... هیچ کس نمی‌داند که اصلاً مالیات برای این است که دولت برای آبادی مملکت و ساختن راه و نگاهداشتن قشون و مستحفظ و پلیس و نشر علم و سایر منافع عمومی صرف‌کند...»^۲

حاج سیاح ضمن توصیف منطقه زرخیز خوزستان، از لزوم سدبندی در آن منطقه سخن می‌گوید و می‌نویسد: «دولت ایداً این فکر را نکرد که مالیات و آنچه از رعیت گرفته می‌شود برای این است که به منافع آنها صرف شود. بلکه مردم را بنده خود می‌دانند، و آنچه می‌گیرند مال خود می‌شمارند. بنابراین می‌گویند ما چرا مال خود را که برای کسب‌رانی و عیش و نوش از مردم گرفته‌ایم خرج کنیم تا مردم نفع ببرند؟ دولتیان ایران، ایرانیان را بیگانه و بنده خود می‌دانند و نمی‌دانند که اگر چنین هم باشد باز نفع ایشان در آبادانی است.» بعد در مورد سدبندی می‌نویسد: «شیخ جابرخان به توسط حمزه‌سیرازی حشمت‌الدوله عریضه داد که از سه کار یکی را بکنید که این بند بسته شود... اولاً دولت خودش این بند را ببندد و هر قدر رعیت لازم است من آورده مساعدت می‌کنم، ثانیاً اجازه دهند من خودم بند را ببندم تا هفت سال مالیات از من نخواهند، بعد به دولت واگذار می‌کنم. ثانیاً دولت بامن شراکت کند، و قرار شراکت

۱. اسناد و نامه‌های تاریخی از جلایریان تا قاجاری، به اهتمام دکتر جها‌نگیر قائم‌مقامی، ص ۱۹۶ به بعد.

۲. خاطرات حاج سیاح، پیشین، ص ۱۰۸.

را بدهند.» این عریضه را فرستادند، طولی نکشید جواب آمد که: اول پیشکش دولت را معین کنید «... دانستند که دولت قصد آبادی ندارد... این نظیر آن است که یکی از فرنگیان به ایران آمده بود و در زمان فتحعلی شاه قدری سیب زمینی هدیه به شاه کرد، گفت این را در اسریکا پیدا کرده‌اند و در اروپا شایع شده، فایده زیاد دارد و برای رفع قحطی خیلی لازم است. بدهید در ایران هم بکارند، فایده بردارند. فتحعلی شاه فرمود: «خوب به دولت چه تقدیم می‌کنید که تا این کار را بنماید؟»^۱

در دوره قرون وسطا، جز در موارد بسیار استثنایی، کسی در اندیشه بازماندگان متوفی نبود، اگر کسی از دیوانیان و افراد ارتش (اعم از افسر و سرباز) در جریان کار می‌مرد یا کشته می‌شد بازماندگان او به دست حوادث سپرده می‌شدند. اروپاییان برای حل این مشکل نخستین قدم را برداشتند و حقوق بازنشستگی را معمول داشتند.

حقوق بازنشستگی: پولی است که در اوقات معین به کسی که به واسطه ناتوانی و پیری از کار کناره‌گیری می‌کند پرداخت شود. وگاه این حقوق یا قسمتی از آن، به زن و فرزند متوفی تعلق می‌گیرد... در قرن ۱۹ فکر کمک به کسانی که عمری در خدمات دولتی بسر برده‌اند، در بعضی از کشورهای اروپا رواج یافت. در سال ۱۸۶۹ قانونی در انگلستان وضع شد که حائزین مقامات سیاسی، پس از مدت معینی حقوق بازنشستگی دریافت دارند. در اواخر قرن ۱۹ میلادی این فکر به ممالک اروپا راه یافت. آلمان اول کشوری بود، که پرداخت حقوق بازنشستگی را به عموم مردمی که به سن کهولت رسیده بودند، معمول کرد. امروز پرداخت حقوق بازنشستگی در اغلب کشورهای مرفعی متداول شده است... در دوره قاجاریه فقط به کسانی که مورد توجه بودند مستمری می‌دادند وگاه اطفال از این حقوق بهره‌مند می‌شدند. در سال ۱۳۰۱ ه. ش. قانون استخدام کشوری و در سال ۱۳۰۲ قانون استخدام قضات به تصویب رسید که در هر دو پرداخت حقوق بازنشستگی منظور شده است. سپس قوانین دیگری وضع شد که به موجب آن عموم کارکنان کشوری و لشکری از حقوق بازنشستگی استفاده کنند. در سال ۱۳۳۴ به موجب قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران، به عموم کارگران تحت شرایطی، حقوق بازنشستگی پرداخت می‌شود. امید است که این قانون عمومیت یابد.^۲

درفرمان مورخه شوال ۱۲۸۶ چنین آمده است:

هوالمک، فرمان همایون آن که چون میرزا محمد، مستوفی اصفهان وفات یافته، محض شمول مراسم ملوکانه درباره عالیجاه عزت همراه میرزا حبیب برادر زاده مرحوم مزبور مبلغ یکصد تومان ثلث مواجب آن مرحوم را در حق مشارالیه مرحمت و برقرار فرموده‌ایم که از لوی تیل و ما بعدها از بابت مالیات اصفهان دریافت نماید. و بعد از وضع رسوم مشغول خدمتگزاری شد، مقرر آن که مستوفیان عظام شرح فرمان همایون را ثبت نموده، درعهده شناسد. شهر

فرمان کمک
به بازماندگان

شوال ۱۲۸۶ .

۱. همان، ص ۲۲۱

۲. دایرةالمعارف، ص ۸۵۸.



اگر در مورد هر چه در این کتاب مذکور است در مورد آن کتاب در دسترس است

در صورتی که در این کتاب مذکور است در مورد آن کتاب در دسترس است

عبارت هر چه در این کتاب مذکور است در مورد آن کتاب در دسترس است

از کتاب چاپ آستان قدس در مورد هر چه در این کتاب مذکور است در مورد آن کتاب در دسترس است

ماخوذ از مجموعه اسناد و یادگارهای تاریخی آقای علی اکبر بزرگزاد.

پشت همین فرمان نمونه‌هایی از: مهر و امضای رجال دولت در سال ۱۲۸۶ دیده می‌شود.

مالیه ایران: آقای جمالزاده در کتاب گنج شایگان که در سال ۱۳۳۵ به رشته تحریر درآمده است، دربارهٔ مالیه ایران چنین می‌نویسد:

«عایدات دولتی عبارت از وجوهات نقدی و جنسی است که از رهگذرهای مختلفه داخل صندوقهای دولت می‌گردد، و مهمترین سرچشمه‌های عایدات دولتی ایران از قرار

ذیل است:

- (۱) مالیات مستقیم، (۲) مالیاتهای غیرمستقیم، (۳) اداره گمرک، (۴) ضرابخانه،
 (۵) پست و تلگراف، (۶) تذکره، (۷) خالصجات، (۸) معادن، (۹) حق تمبر و ثبت اسناد،
 (۱۰) امتیازات و وجه الاجاره‌ها.

کلیه عایدات

درسال ۱۲۵۵ از هر حیث	۳۴۵،۲۶۶،۱۵۰	قران بوده است.
» ۱۲۶۸ بدون مالیات جنس	۲۸،۲۵۷،۸۲۴	» » »
» ۱۲۷۰ از هر حیث	۳۳،۶۶۵،۵۸۰	»
» ۱۲۹۳ »	۵،۴۷۰،۴۰۰	»
» ۱۳۰۲ »	۵،۴۸۰،۴۰۰	»
» ۱۳۰۳ بدون مالیات جنسی	۴۸،۲۰۱،۵۳۰	»
» ۱۳۰۶ از هر حیث	۵۴،۶۸۷،۶۳۰	»
» ۱۳۰۸ »	۶،۴۰۰،۴۰۰	»
» ۱۳۲۵ »	۸،۴۰۰،۴۰۰	»
» ۱۳۳۰ »	۱۱۹،۲۵۳،۷۹۹	»
» ۱۳۳۱ »	۱۳۰،۶۸۹،۰۵۰	»

مرگان شوستر در کتاب خود موسوم به اختناق ایران می‌نویسد که در زمانی که او در ایران مستشار مالیه بود (۱۳۲۹)، تمام مالیات نقدی و جنسی ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ قران بوده است. و اگر تمام آن مبلغ عاید می‌شد، بودجه ایران باز ۶ بیلیون تومان کسری می‌داشته است.

مرنار بلژیکی که پس از شوستر سابق الذکر در تاریخ ۸ جمادی الاخر ۱۳۳۰ به سمت ریاست خزانه‌داری کل ایران منصوب گردید، در ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۰ در وقتی که هنوز رئیس گمرکات بود، صورتی به سفیر انگلیس نوشته که در کتاب آبی ثبت است و در آن عایدات حتمی متوسط ایران را در سالهای اخیر به ۴ بیلیون قران تخمین نموده و معتقد بود که اگر امنیت و حساب و کتاب برقرار شود، عایدات از این مبلغ زیادتر خواهد بود... مهمترین منابع عایدات ایران مالیات مستقیم است که براساس مختلفه تحمیل می‌شود. ولی علاوه بر این مالیات، از اغنام و احشام و عوامل نیز عموماً مالیاتی گرفته می‌شود. همچنین در بعضی جاها به اسم سرانه بر اشخاص نیز مالیاتی قرار می‌گیرد.

اساس مالیات بر اعراری و ده یک است.

چنان که سعدی می‌گوید:

چو دشمن خسر روستایی بسرد
 ملک باج ده یک چرا می‌خورد.

تا پیش از زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) مالیات ده یک اساس مالیات بود، ولی او آن را مضاعف کرد و پایه مالیات در ایران به بیست درصد قرار گرفت. ولی در عمل بسا

می‌شد که به ۳۰ و ۵۰ درصد نیز می‌رسید.

منشأ مالیات در همه جای ایران به یک طرز نیست و در ولایات و ایالات مختلف است، و حتی در همه نقاط یک ایالت هم به یک منوال و ترتیب نیست. در آذربایجان چون حاصلخیز است، قسمت عمده مالیات به زمین و محصولات تعلق می‌گیرد و در حالی که در ولایات دیگر مالیات به گاوهای تعلق می‌گیرد که برای شخم اراضی به کار می‌رود.

از طرف دیگر همانطور که در منشأ و مبنای مالیات اختلافات زیاد هست، در مبلغ و اندازه آن نیز اختلافات بسیار وجود دارد چنان که مثلاً در ایالات آذربایجان اگر مالیات از اراضی گرفته شود، حق دولت ده یک حاصل است. و اگر سرشماری باشد از قرار چهار قران از هر نفر مرد بالغ و ۲/۲۰ قران از زنان و بچه‌گان می‌باشد و اگر گاو باشد از قرار ۲ قران از هر جفت گاو است. و در گیلان مبنای مالیات جریب می‌باشد و سابقاً هر جریب یرنجکاری و توتون کاری و تنباکو و نیشکر در سال ۱۰ قران مالیات می‌داده است ولی بعدها حکام بنا به اراده خویش زیادتر از مبلغ مزبور گرفتند و دولت هم همان میزانی را که حکام مقرر کرده بودند منشأ قرارداده مالیات بعضی زمینها از هر جریبی به سه تومان رسید تا آن که در دوره مشروطه در چهارم صفر ۱۳۲۸ میزان مالیات ارضی ۲۰ درصد مقرر گردیده، مالیات ایالات و عشایر براغانام و احشام تحمیل می‌شود. چون که ایالات در عوض مالیات، خدمت نظامی انجام می‌دهند و از این رو مبدأ مالیات بین آنها بز و گوسفند و غیره است. از قرار هر بز و گوسفندی پانزده شاهی تا یک قران و هر خر و گاوی یک تومان.

مالیاتی که به دکاندار و اهل تجارت و حرفت بسته می‌شود، نیز انواع مختلف دارد و گاهی از روی سرشماری است و گاه از روی عایدات و منافع. علاوه بر اینها، در ولایات گروس و کردستان رعایا در موقع تغییر محل و نقل مکان از ملکی به ملک دیگر، مجبور بودند یا مبلغی از ۳۴ قران تا هشت تومان به اختلاف به عنوان مطلق العنانی و آزاد بودن به حکومت یا پیشکار مالیه پرداخته و ورقه اجازه‌نامه به اسم تعلیقه دریافت دارند، و بدون ورقه مذکور هیچ یک از رعایا حق تغییر محل نداشتند بعدها و در آغاز مشروطیت چون مالیات مزبور مخالف با آزادی شخصی بود، وزارت مالیه با اجازه مجلس در سال ۱۳۳۳ آن را نسخ نمود. مالیات مستقیم که گرفته می‌شود، منقسم به دو قسمت می‌شود که عبارت است از نقدی و جنسی. و مالیات جنسی عموماً عبارت است از غله و شلتوک و کاه و نخود و ابریشم و فسیل و غیره.

مالیات کل ایران من جمیع الجهات در سال ۱۳۶۸ که چهارمین سال سلطنت ناصرالدین شاه است، بطریق زیر بود:

قران	۲۸'۲۵۷'۸۲۸	نقد (۱)
خروار	۲۳۵'۲۹۸	جنس (۲)
»	۸'۱۹۴	۱. غله
»	۱۳۶'۵۲۵	۲. شلتوک
»	۷۵	۳. کاه
»	۱'۵۰۰	۴. نخود
»		۵. فسیل
من	۱	۶. ابریشم

مبلغی که عموماً به اسم مالیات در کلیه ایران گرفته می‌شود، خیلی بیشتر از اینهاست و مبلغی که در صورت‌های فوق وارد شده، مبلغیست که در دفترهای مالیاتی دولتی ثبت است. ولی در عمل مبلغ مأخوذ به توسط حکام و مأمورین، خیلی زیادتر از مبلغ مذکوره است و اختلافات این دو مبلغ را تفاوت عمل می‌نامند و موجب اصلی تفاوت عمل، ترقی و آبادانی بعضی از اراضی و روستاهاست. مثلاً فلان دهکده در موقع صورت‌بندی مالیات در سالهای قبل، دارای ۵ خانواده بود و مالیاتی که بر آن قرار گرفته بود، متناسب با آن جمعیت بود. ولی بعدها که جمعیت به ۱۵۰ خانواده می‌رسید و مالیات فزونی می‌گرفت، مبلغی که به دست دولت می‌رسید، همان ۵ تومان اولیه بود. در دوره اول مجلس، از شعبان ۱۳۲۴ تا جمادی‌الاول ۱۳۲۶ برای افزایش عایدات دولت سعی شد که این تفاوت عمل در دفاتر دولتی وارد شود. مثلاً مالیات کرمان ۴ هزار تومان بود در حالی که، تفاوت عمل به ۱۷۰ هزار تومان می‌رسید یعنی تقریباً چهار برابر خود مالیات بود.

غیر از آنچه گفتیم، در بعضی جاها به جای آن که مالیات جنسی به دولت بدهند، قیمت آن را می‌پرداختند بدون این که به توفیر نرخ و افزایش قیمت توجه کنند. به همین علت در صفر ۱۳۲۵ مقررات تسعیر، فسخ گردید.

در اواخر سال ۱۳۳۲ در دوره سوم مجلس، خزانه‌داری کل به تهیه و وضع نظامنامه‌ای برای مالیات اصناف مبادرت کرد و به هیأت وزرا تسلیم نمود که مهمترین مواد آن از این قرار است:

- ۱) برای صاحبان پیشه و صنعت و تجارت و اصناف مالیاتی مقرر خواهد شد.
 - ۲) علما و مستخدمین دولتی و معلمان و مدیران مدارس از این مالیات معاف هستند.
 - ۳) مالیات مزبور زیاده از صدی پنج و کمتر از صدی نیم، نسبت به عایدات خالص مؤدیان تحمیل نخواهد شد.
- بنا به صورت بودجه سال مالی ۱۳۳۰ که از طرف خزانه‌داری داده شده، عایدات دولتی از بابت مالیات مستقیم بدون خالصجات، معادل بوده است با ۱۰۰.۴۷۰.۰۰۰ و علاوه بر آن مبلغی متجاوز از ۹ میلیون قران بابت بقایای سنوات پیش عاید دولت شده بود.^۱
- مالیات غیر مستقیم: تا قبل از مشروطیت (۱۳۲۴) در ایران مالیات غیرمستقیم وجود نداشت. ولی پس از آن، کسر بودجه و مخارج روزافزون دولت، وکلای ملت را بر آن داشت تا سرچشمه‌های جدیدی برای تزئید عایدات پیدا کنند.
- ۱) دولت در سال ۱۳۲۸ استخراج و فروش نمک را در سراسر ایران به خود انحصار داد و سازمانهایی برای اخذ عوارض بوجود آورد. ولی چون نمک مورد نیاز عمومی بود، مجلس در سال ۱۳۲۹ به الغای آن رأی داد.
 - ۲) تحدید تریاک، قانون این مالیات در سال ۱۳۲۹ در ۶ ماده از مجلس گذشت،

بنابراین قانون، مقرر گردید از هر مشقال تریاک مالیده، سی صد دینار مالیات دریافت شود، برای جلوگیری از استعمال شیره سوخته تریاک، معتادین مکلف بودند سوخته تریاک را به ماسورین تسلیم و برای هر مشقال سوخته نه شاهی بگیرند. ماسورین دولتی موظف بودند سوخته های جمع شده را تلف نمایند و با وضع مالیات تصاعدی بر تریاک سوجباتی فراهم کنند که استعمال تریاک بکلی منتفی شود و استعمال تریاک جز آنچه به عنوان دوا لازم است، ممنوع گردد. ولی نقشه دولت به عملی چند عملی نگردید، عایدات تریاک کلیه ایران را در سال ۱۳۳۵ دولت سه ساله از قرار سالی هشت صد هزار تومان به تجارتخانه طومانیان واگذار نمود. صادرات تریاک از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۱۴ قوس صعودی طی کرده است چنان که، در سال ۱۳۸۸ قیمت تریاک صادر شده ۶۷۰۴۸ لیره انگلیسی معادل ۱۰۴۲۱۰۴ قران بود، و در سال ۱۳۱۴ این قیمت به ۲۵۸۱۷۰۸ لیره انگلیسی ترقی کرده است که تقریباً معادل ۱۲،۱۷۶،۶۹۲ قران است. باید دانست که در سال ۱۳۸۸ قیمت تقریبی لیره ۲۳ قران و در سال ۱۳۱۴ این قیمت به ۴۹ قران افزایش یافته است.

از سال ۱۳۲۷ بروماد الکلی نیز مالیات هایی تحمیل شد که بر حسب اختلاف جنس میزان آن فرق می کرد. دولت می توانست بطریه های مشروبی که بدون باند رول دولت باشد ضبط نماید و فروشنده را کیفر دهد. بنا به عقیده مرزا، عایدات دولت از منابع فوق از ۷۰ هزار تا یک میلیون و چهار صد هزار تومان قابل پیش بینی بود. علاوه بر آنچه گفتیم، نالون مالیات بر نواقل و مالیات بردخانیات و مالیات بر مستغلات، از تصویب مجلس گذشت. مالیات بر نواقل توسط مباشرین شهرداری وصول و تحت نظر انجمن بلدی خرج می شد و با وجود معافیهایی که قائل شده بودند، میزان آن در سال ۱۳۳۰ از دو میلیون و ۲۸ هزار قران تجاوز کرد.

به موجب قانون مالیات بردخانیات که در سال ۱۳۳۳ از مجلس گذشت، مقرر گردید که از برگ توتون و تنباکوی ایران معادل ۲۰ درصد قیمت گرفته شود. در سال ۱۳۳۵ مقدار تخمینی محصول تنباکو و توتون ایران به ۳۰۰۰۰۰۰۰ تن تبریز برگ خشک بالغ می شد که از آذربایجان، استرآباد، مازندران، بروجرد، فارس، گیلان، اصفهان، خراسان و دیگر شهرستانها به دست می آمد. از این مقدار، سالیانه بیش از ۶۰۰ هزار تن به قیمت ۵ تا ۶ کرور قران به خارجه حمل می شود.

(۳) مستغلات، لایحه قانونی این مالیات نیز در سال ۱۳۳۳ از تصویب مجلس گذشت و مقرر گردید از املاک و مستغلات آن یک خمس از عایدات خالص بعنوان مالیات گرفته شود.

(۴) گمرکات، چنان که گفتیم، تا قبل از سال ۱۳۱۷ عواید گمرکات ایران به اشخاص مختلف به اجاره داده می شد.

در سال ۱۳۱۵، سه نفر بلژیکی از جمله نوذ برای اصلاح وضع گمرک، به ایران آمدند. گمرک از آغاز یکی از منابع مهم درآمد کشور محسوب می شد.

عایدات گمرکات در سال ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ بالغ بر ۴۲,۵۵۷,۷۴۶ قران بوده است. (۵) تلگرافخانه، اولین بار در سال ۱۲۷۴ به حکم ناصرالدین شاه از عمارت سلطنتی تهران تا باغ لاله زار سیم کشیدند. بعداً به تدریج این خطوط امتداد یافت و حکومت هند و کمپانی تلگرافات هند و اروپا و دولت ایران خطوط تلگرافی چندی در ایران کشیدند. عایدات دولت از بابت مخابرات داخلی و حتی که از حکومت هند و اداره تلگراف هند و اروپا به دست می‌آورد، بنا بصورت تقریبی سرنار، که در سال ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ به سفارت انگلیس داده، بالغ بر دو میلیون و ۷۵۰ هزار قران بوده است.

(۶) پستخانه، از سال ۱۲۶۷ که چهارمین سال جلوس ناصرالدین شاه است، پستخانه در ایران تأسیس گردید. تا آن تاریخ ارسال نامه‌ها به وسیله قاصد (- یا مچی) صورت می‌گرفت. در سال ۱۲۶۸ پانزده باب چاپارخانه در خط فارس، و در سال ۱۲۶۹ در ساری و اشرف و دیگر نقاط تأسیس شد و بتدریج بر میزان چاپارخانه‌ها افزوده شد بطوری که در سال ۱۳۱۰ صد هفتاد و دو باب چاپارخانه در ایران وجود داشت.

تا سال ۱۲۹۰ اداره پستخانه جزو وزارت طرق و شوارع بود و متصدی آن لقب «چاپارچی باشی‌گری» داشت. ولی در سال مذکور ناصرالدین شاه پستخانه را با وزارت رسایل به میرزا علی‌خان امین‌الدوله مفوض نمود و او به کمک یک هیأت اتریشی به تنظیم پست ایران همت گماشت و در کمتر از یک سال اولین پست سواره منظم ایرانی را هفته‌ای یک بار بین تهران و تبریز و جلغا با شعبه‌ای از قزوین به رشت ایجاد نمود. پیشرفت کارهای پستی در نتیجه برکنار شدن مسئولین امور یک چند دچار رکود گردید. بنا به احصائیه سال ۱۳۰۲، در ظرف این سال چاپارخانه ایران ۳,۱۶۸,۸۳۵ کاغذ و بیش از دو هزار ورقه پستی و ۷,۴۴۵ نمونه و ۱۷۳,۹۹۵ بسته اسانته تقریباً به قیمت ۹۵ هزار تومان رد و بدل کرده بوده است.

خالصجات: مقصود از خالصجات یا املاک دیوانی، املاکی است که متعلق به دولت است. در عهد صفویه طبقه علما و روحانیان قدرت و دارایی فراوان کسب کرده بودند. نادر در راه تجدید قدرت آنان قسدهایی برداشت و تمام اموال و اوقاف مساجد را ضبط کرد. و پس از او در عهد آغامحمدخان قاجار، املاک خالصه فزونی گرفت. در زمان ناصرالدین شاه در حدود سال ۱۳۰۴ قسمتی از خالصجات را دولت فروخت، زیرا املاک دولتی رو به خرابی می‌رفت، و از طرفی دولت در نهایت تنگستی بود. تا پیش از مشروطیت، املاک خالصه چون ملک طلق شاه شمرده می‌شد، شاه به موجب فرمان به اشخاص مورد نظر منتقل می‌نمود. چنان که مظفرالدین شاه قصبه سیاه دهن را از بابت مصارف آبدارخانه به امین حضرت آبدارباشی وا گذاشته بود.

پس از استقرار مشروطیت، چون دیدند که خالصجات عایدات کافی ندارد، در سال ۱۳۳۳ دولت درصدد فروش املاک خالصه برآمد.

ضرابخانه: بنا به گفته شاردن که در دوره شاه عباس دوم و شاه سلیمان در ایران مسافرت کرده است، در عهد صفویه دستگاه مجیزی برای سکه زدن نبود. بلکه سکه را با چکش می‌زدند. و همو می‌نویسد که حتی که از این بابت عاید پادشاه می‌گردید،

از هر مملکتی زیادتر بود. یعنی معادل بوده است با $\frac{7}{5}$ درصد از فلز مسکوک. تا پیش از دوره ناصرالدین شاه هریک از شهرهای عمده ایران ضرابخانه جداگانه داشت و دولت به هر کدام آنها یک نفر سرپرست به سمت معیری می‌گماشت، و لهذا اختلافاتی در نقش و عیار و غیره پدید می‌آمد. ولی ناصرالدین شاه از اوایل سلطنت لوازم کار را از اروپا وارد کرد و یک نفر راهبر ریاست ضرابخانه برگزید. در آن وقت عایدی سالیانه دولت از ضرابخانه معادل با ۲۵۰۰۰ تومان بود. اداره ضرابخانه جزو وزارت مالیه و دارای ۷ نفر عضو بود. این اداره یک چند جزو بانک شاهنشاهی ایران قرار گرفت؛ ولی از سال ۱۳۱۳ ه. یعنی پس از جلوس مظفرالدین شاه، ضرابخانه جزو وزارت داخله شد. میرزا علی خان امین‌الدوله به کمک یک نفر بلژیکی، به سازمان ضرابخانه سروصورتی داد. پس از مشروطیت، ضرابخانه جزو اداره خزانه گردید. شومستر می‌نویسد: ضرابخانه ایران می‌تواند ماهی هفت صد هزار تومان پول سکه بزند.

معادن: معادن ایران عموماً سلک دولت است و دولت به اشخاصی که طالب استفاده هستند آنها را به اجاره می‌دهد. ناصرالدین شاه در اوایل سلطنت خود محض تشویق اهالی، قانونی گذاشت که مطابق آن هر کس در هر جا معدنی بیابد حاصل آن در مدت ۵ سال مختص وی است و پس از آن منتقل به دولت می‌گردد. در دوره ناصرالدین شاه در حدود سال ۱۳۰۰ کلیه عایدات دولت از بابت اجاره معادن معادل ۱۴۹۰۰ تومان بوده است.

کنلی^۱ می‌گوید که وقتی که حسنعلی میرزا حکومت خراسان را داشت، معادن فیروزه نیشابور سالی هزار تومان به اجاره داده می‌شد. در سال ۱۲۹۱ بنا به گفته نایب^۲ اجاره کلیه معادن حدود ۶ هزار تومان بود. وجه الاجاره مذکور تا سال ۱۳۰۰ ه. معادل بود با هشت هزار تومان، ولی این سال ناصرالدین شاه معادن مزبور را ۱۵ ساله به علینقی خان مخبرالدوله وزیر علوم و معادن اجاره داد. علاوه بر این، دولت معادن مس سبزوار را سالی ۴۳۰۰ تومان اجاره می‌داد. ولی از سال ۱۳۲۹ ه. وزارت فواید عامه آن معادن را به مزایده گذاشت. معدن نمک گروس سالی ۶ هزار تومان و معادن ذغال سنگ و سنگ گچ و سنگهای تراش قزوین در مقابل سالی ۱۵۸۰ تومان به اشخاص واگذار می‌شد، همچنین سایر معادن علاوه بر آنچه گفتیم، دولت از بابت تذکره که از سال ۱۲۶۷ در ایران دایر گردیده است، عایداتی کسب می‌کرد. در سال (۱۳۳۱-۱۳۳۰) عواید دولت ۴۱۴۴۳۴۵ قران بود.

به موجب قانون ۱۳۲۸ ه. رده و کیون و زه متصل به روده کلیه ذبایح در تمام مملکت به عنوان مالیات، متعلق به دولت، و ترتیب جمع‌آوری و اداره کار با وزارت مالیه است. قیمت رده عموماً از قرار ذیل است: روده شسته هر هزار عددی از ۹ تا ۱۰ تومان بود. بنا به گزارش کنسولگری انگلیس در سال ۱۳۲۱، زه و روده صادره از کرمانشاه در حدود ۳۳ هزار عدد و به قیمت ۱۲۰۰ تومان بود. پوست بره نیز به دولت عایداتی می‌داد، چنان که در سال ۱۳۲۹، ۶۷۴۰۰۰۷ قران، در سال بعد ۵۶۸۰۰۸۳ قران از این طریق عاید دولت گردید.

بنابصورت و آماری که از سال ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ هـ. در دست است، عایدات سالیانه دولتی تقریباً بیست و چهار کرور تومان بود، ولی این مبلغ مشتمل بر عایدات مالیاتهای دیگر از قبیل مالیات دخانیات و مستغلات که در دوره سوم مجلس وضع شده است نیست.

عایدات نقدی دولت در سال مالی ۱۳۰۳

محل	مبلغ
۱. مالیات نقدی	قران ۳۹۰.۰۹۷۵۱۴۷۵
۲. گمرکات	۸۰۰.۰۰۰.۰۰۰
۳. عایدات متفرقه : ضرابخانه	۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰
۴. » تلگرافخانه داخلی	۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰
۵. پستخانه	۱۲۰.۰۰۰.۰۰۰
۶. تذکره ولایات	۱۳۰.۰۲۰.۰۰۰
۷. وجه اجاره اسکله بندرعباس	۳۰.۰۰۰.۰۰۰
۸. مالیات راه شوسه قم	۶۰.۰۰۰.۰۰۰
۹. ایلات حوالی تهران	۱۰۰.۹۷۰.۶۱۰
۱۰. قهوهخانه دوشان تپه	۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۱. دارالطباعة	۵۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۲. تلگرافخانه کواتر و جاسک	۳۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۳. کوره پزخانه	۱۲۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۴. مقاطعه کمپانی تلگرافات هند و اروپا	۸۰.۰۳۴.۷۳۵
۱۵. حق التولید مشهد	۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۶. اجاره باغات	۶۵۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۷. ایل زرگر	۵۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۸. معادن	۱۴۷.۱۵۰.۰۰۰
۱۹. اجاره معدن ذغال سنگ	۱۰۵۰.۰۰۰.۰۰۰
۲۰. تفاوت عمل قصابخانه	۸۰۰.۰۰۰.۰۰۰
۲۱. پیشکش تکیه دولتی	۱۶۰.۲۵۰.۰۰۰
۲۲. پیشکشهای دیگر : عید نوروز، عید مولود	۶۶۰.۰۰۰.۰۰۰
جمع کل	۴۰۸۲۰.۰۱۵۳.۱۲۰

علاوه بر صورت فوق، دولت از بابت مالیات جنسی هم سالیانه معادل ۱۰.۰۱۰.۰۰۰.۹۸۳ قران وصول می نمود. که روی هم رفته عایدات نقدی به ۵۸.۳۰۲.۵۱۴.۲۰۰ قران بالغ می شد.

مخارج دولتی: مخارج دولت عبارت است از مخارج و حقوق ادارات دولتی و تسط استهلاك قروض دولتی.

صورت مخارج دولت از بابت ادارات مرکزی در سال ۱۳۳۰

محل	مبلغ
۱. دربار دولتی	۳۱۸,۷۳۶,۱۰۰
۲. نیابت سلطنت	۳۴۳,۵۰۰
۳. دارالشورای کبری	۶۴,۳۹۲
۴. هیأت وزراء	۲۴۴,۸۶۳
۵. وزارت جنگ و قزاقخانه	۲,۱۱۷,۷۵۶,۵۰۰
۶. وزارت داخله	۱۷,۴۹۱,۰۹۷
۷. ژاندارسری	۸,۴۱۳,۴۶۱
۸. وزارت عدلیه	۹۷۳,۲۱۹
۹. وزارت علوم	۱,۰۰۵,۷۱۴
۱۰. وزارت امور خارجه	۵,۳۶۷,۸۰۶
۱۱. اداره پستخانه	۳,۶۴۹,۳۵۷
۱۲. اداره تلگرافخانه	۴,۳۶۱,۷۵۷
۱۳. وزارت مالیه	۳۰۶,۷۳۴
۱۴. اداره ضرابخانه	۴۹۲,۵۰۳
۱۵. وزارت فواید عامه	۶۸۳,۱۳۶
دوایم مرکزی: ۱. رسومات و مخارج حمل و نقل	
خرید سوخته و روده و غیره	۳,۵۶۹,۰۸۷
۲. اداره گمرکات	۴,۶۹۱,۲۴۵
۳. مخارج متفرقه از صندوق گمرکات پرداخت شده	۱,۸۳۵,۲۷۴
۴. اداره تقشیش تذکره	۱۱۸,۵۲۰
۵. اداره اتوبیلیل	۵۰,۹۸۴
۶. مخارجی که در جزو مخارج وزارتخانه های فوق منظور نشده و به حساب دوایر مختلفه پرداخته شده	
۷. مخارج فوق العاده مملکتی	۷۵۲,۶۹۴
۸. از بابت وظائف و مستمری	۹۲۸,۹۵۰
۹. از بابت مساعده به انبار دولتی	۹,۴۳۶,۳۳۹
	۵,۴۴۳,۴۳۱
جمع کل	۱۰,۲,۴۲۹,۹۸۵

توضیحات:

(۱) بودجه سلطنتی بنا به قانونی که در سال ۱۳۳۵ در موقع تعدیل خرج و دخل دولتی از مجلس گذشت، به یک کرویر تومان نقد و پنج هزار خروار غله و پنج هزار خروار کاه معین شده است.

(۲) مقرری نیابت سلطنت ماهانه ... تومان بوده، تا سلطنت احمدشاه بودجه دارالشورای ملی (۳۰-۱۳۲ هـ) بودجه مصوبه ۶۴: ۱۱۳,۶۹۴، مخارج ۱۰۸,۵۹۳,۵۹۵

۳) اداۀ ژاندا (موری)، این اداره به همت صاحب منصبان ژاندارسری سازمان یافت و بودجه آن در سال مالی ۱۳۳۰ معادل بود با ۸۶۴۱۳۰۶۶۲ تومان. در سال ۱۳۳۳ این بودجه به ۱۱۲۵۰۰۰۰ تومان بالغ گردید.

۴) نظمیۀ سازمان نظمیۀ نیز یک سال بعد از ژاندارسری به همت افسران سوئدی صورت گرفت.

در سال ۱۳۳۳ مخارج سالیانۀ اداره نظمیۀ معادل پرداخت با ۴۳۰۰۶۲۲ تومان از قرار ذیل بود:

۰۱. مخارج معمولی	۳۲۰۰۹۳۲ تومان
۰۲. مخارج فوق العادۀ	» ۷۵۰۰۰۰
۰۳. مخارج زندان	» ۳۴۰۶۹۰
جمع کل	» ۴۳۰۰۶۲۲

۵) مستمری، وظایف و مستمریها یکی از مخارج مهم دولت بود. غیر از تعدیلی که در عهد امیر کبیر صورت گرفت، در اوایل مشروطیت در سال ۱۳۲۵ در سبب تعدیل بودجه که ۶ کرور تومان کسر داشت، معادل ۹۰۰۰۰۰۰ تومان از مبلغ مستمریها کسر شد. شوستر در کتاب خود می نویسد که دولت ایران در سال ۶ کرور تومان به صد هزار نفر ارباب حقوق می دهد. در سراسله ای هم که سرنار خزانه دار در سال ۱۳۳۳ به دارایی نوشته، می گوید سالیانۀ قریب ۶ کرور تومان تقریباً به ۴۶۰۰۰ نفر ارباب حقوق پرداخته می شود.

قروض ایران: پس از قرضی که ناصرالدین شاه در ۲۸ رمضان ۱۳۰۹ برای پرداختی پانصد هزار لیره انگلیسی از بابت خسارت کمپانی انگلیسی دخانیات رژی از بانک شاهنشاهی نمود، دولت ایران از این پس یک سلسله قرضهای دیگر خواه از انگلیس یا از روس کرد، و باین اقدامات پیش از پیش تیشه به ریشه استقلال و آزادی ایران زد.

خلاصه دخل و خرج تخمینی دولت در سال ۲۹-۱۳۲۸

قران	مخارج
۶۰۰۰۰۰۰۰۰	۱. مخارج دربار و غیره
۱۰۸۰۰۰۰۰۰۰	۲. » مجلس شورای ملی
۵۶۰۷۰۰۰۰۰۰	۳. وزارت مالیه
۳۱۰۰۲۰۰۰۰۰۰	۴. وزارت داخله
۳۸۰۸۶۰۰۰۰۰۰	۵. وزارت جنگ
۷۱۸۳۰۰۰۰۰۰	۶. وزارت خارجه
۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۷. وزارت عدلیه
۸۵۵۰۰۰۰۰	۸. وزارت معارف و اوقاف و قواعد عالیۀ
۲۴۰۰۰۰۰۰۰	۹. وزارت تجارت
۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۰. از بابت کسر و وصول مالیات

۱۹۰۳۰۵۰۰۰

جمع کل

۱۰۶۰۵۵۱۶۸۰۰

عایدات مالیات و وجوه گمرک و غیره

۸۳۷۵۳۱۲۰۰

باقی که بلامحل است

از روی صورتهای سابق الذکر، کسر بودجه ایران درسال، تقریباً ۱۷ کرور تومان است. ولی چون ارقام یادشده مبتنی بر تخمین و قیاس است نباید آنرا مبنا قرار داد.^۱

مالیات: رایینو در کتاب خود راجع به گیلان، در مورد مالیات اراضی چنین می نویسد: «عایدات گیلان بیشتر از مالیات ارضی تأمین می شود. پایه این نوع درآمد روی «ده» مستقر شده است. دهات گیلان به دو صورت جداگانه دیده می شود، یا ده متعلق به یک مالک و یا در تملک عده ای دهقان می باشد. برای دهات از نوع اول مسئولیت پرداخت مالیات بر عهده مالک است. و در دهاتی از نوع دوم، کدخدای موظف است مالیات را جمع آوری نموده و تسلیم دولت نماید. مالیات در مقابل هر جریب از زمینهای زراعی، در حدود پانزده قران تخمین زده می شود و اگر ده دارای زمینهای وسیع غیر زراعی باشد، نسبت به چهار پاییان اهلی، اسبها، گوسفندها، کندوی زنبور عسل و درخت گردو، نیز تعلق می گیرد.» در سال ۱۳۱۰ هجری در مالیات ارضی با دفا تر جدید، زیر مراقبت مشیرالدوله تجدید نظر شد. رایینو می گوید که دریافت مالیات باروشی مستبدانه انجام می گرفته و هنوز هم مردم از این وضع شکایت دارند... برای آن که مالیات عادلانه وصول شود، ترتیب ثبت اراضی ضروری به نظر می رسد.

مالیات متفرقه شامل مالیات دکانها، حمامها، کاروانسراها، بازارها و اصناف است که منبع دیگری برای درآمد شمرده می شود.

در گیلان املاک سلطنتی خالصه تا سال ۱۳۰۲ ه. به حکام گیلان اجاره داده می شد و آنها سرزمینها را به اشخاص در ازای هر جریب (۶۰۰ آر) به مبلغ ۴۵ قران اجاره می دادند. درآمد کلی گمرک در سالی که به ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۹ ه. پایان یافت، ۳۵۷۹۸۰ فرانک بود که پس از کسر هزینه، مبلغ ۳۰۳۵۰۰ فرانک درآمد خالص عاید گردید. همه صیدگاههای بحر خزر، به مبلغ ۴۶ هزار فرانک اجاره داده شده است که حداقل شصت درصد آنها به گیلان تعلق داشتند. عواید چوبهای جنگلی در سال ۱۳۲۷ بیست هزار تومان بود.

درآمد گیلان در سال ۱۳۲۹ ه. (۱۹۱۱ میلادی)

۱۹۲۰۹۰۵۹۳	رانکوه و لنگرود	۴۲۳۷۲۵۰	رشت
۵۱۸۰۴۳۳	شفت	۲۵۱۰۶۸۰۳	فومن
۵۱۰۰۴۳۱۴	تولم	۳۱۷۱۰۵۱۶	رحمت آباد
۴۲۶۳۴۷۶	عمارلو	۱۱۱۸۶۲۶۹	لشت نشا
۴۹۴۶۲۹۱	گیل دولال	۶۳۲۲۸۸۷	اسالم
۶۱۴۲۰	حق الحکومه	۱۸۵۱۷۰۲	شالدرین